

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: رایبر روپ  
برگردان: جنوب جهانی  
ویراستاری و ارسال: علی مشرف  
۲۰ اکتوبر ۲۰۲۴

## رایبر روپ: آیا امریکا می‌تواند جایگاه برتر جهانی خود را بازپس گیرد؟



اندیشکده تأثیرگذار امریکائی «فارین افرز» اخیراً نقشه‌ای را منتشر کرده که بر اساس آرمان‌های عظمت امریکا شکل گرفته است. نویسنده این گزارش نشان‌دهنده همان توهم همیشگی دستگاه دیپلماسی امریکا است که راه‌های حل ساده‌انگارانه‌ای را پیشنهاد می‌کند.

\*\*\*\*\*

امپریالیست‌های امریکائی در سال‌های اخیر دچار شکست‌های ژئواستراتژیک قابل‌توجهی شده‌اند، اما همچنان خود را حاکمان جهان می‌پندارند. آنچه در این میان بسیار خطرناک است، هم برای خودشان و هم برای سایر نقاط جهان، این است که آن‌ها همچنان طوری رفتار می‌کنند که گویی می‌توانند جهان را به اراده خود تحت کنترل درآورند، هرگاه خواستند تحریم کنند، و اگر نتیجه‌ای نگرفتند، با تهدید به جنگ و ایجاد درگیری پیش روند.

با توجه به غرور و توهم همه‌قدرتی جنگ‌طلبان و اشنگتن، این احتمال وجود دارد که بحران‌های کنونی جهان که همگی به تحریک امریکا ایجاد شده‌اند، به سرعت به تشنج‌های غیرقابل‌کنترولی تبدیل شوند. این وضعیت، یادآور ملی‌گرایی افراطی المان در دوران پیش از جنگ جهانی اول است که شعارش این بود: «دشمن زیاد، افتخار بیشتر»

مطالعه‌ای که در ادامه بررسی خواهد شد، توسط خانم نادیا شادلو نوشته شده و در تاریخ ۹ اکتوبر توسط فارین افرز در وبسایت این نشریه منتشر شده است. خانم شادلو تازه‌وارد عرصه سیاست‌گذاری امنیتی امریکا نیست؛ او در دوران

ریاست‌جمهوری ترامپ، معاون مشاور امنیت ملی در امور ستراتیژی در کاخ سفید بود و اکنون به عنوان «همکار ارشد» در مؤسسه هادسون مشغول به کار است و پس از انتخابات، خود را برای بازگشت احتمالی به کاخ سفید آماده می‌کند. به نظر می‌رسد که فارین افروز به پیروزی ترامپ امید بسته و برای همین، یکی از اعضای سابق تیم او را دعوت کرده تا توضیح دهد که امریکا تحت رهبری ترامپ چگونه می‌تواند جایگاه برتر جهانی خود را بازپس گیرد. در مقاله خود، خانم شادلو اذعان می‌کند که شرایط ژئوپلیتیک اطراف امریکا در سال‌های اخیر به‌طور چشمگیری تغییر کرده است. رقابت بین قدرت‌های بزرگ که مدت‌ها تحت سلطه جهانی ایالات متحده بود، اکنون با ظهور چین، روسیه، ایران و کوریای شمالی شدت گرفته است. این کشورها به دنبال تأثیرگذاری بر نظم جهانی هستند و در این میان، ایالات متحده باید با دشواری‌های جدیدی روبه‌رو شود.

خانم شادلو می‌گوید که دومین دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، که در دوره اول خود نیز رقابت قدرت‌های بزرگ را در اولویت قرار داده بود، می‌تواند به تغییرات اساسی در سیاست خارجی و دفاعی امریکا منجر شود. او برای این منظور، مفهومی را به عنوان طرح ستراتیژیک پیشنهاد داده است:

### **ضرورت یک ستراتیژی جدید: «برتری مطلق»**

یکی از مفاهیم کلیدی در دوران جدید ژئوپلیتیک، ایده «برتری مطلق» (Overmatch) است. این ستراتیژی بر این اصل استوار است که امریکا باید از توانمندی‌های نظامی برتری برخوردار باشد تا بتواند در مقابل دشمنان خود پیروزی‌های نامتقارن به دست آورد. هدف این است که نه تنها برای درگیری‌های خاص آماده باشد، بلکه توانایی مدیریت همزمان چندین درگیری طولانی‌مدت نظامی را نیز داشته باشد. این امر نیازمند تقویت اساسی ظرفیت‌های نظامی امریکا و کاهش وابستگی به زنجیره‌های تأمین خارجی، به‌ویژه در صنعت دفاعی است. با این حال، برتری نظامی امریکا به‌طور فزاینده‌ای از سوی توسعه سریع ارتش آزادی‌بخش چین تهدید می‌شود؛ ارتشی که در برخی موارد، حتی ممکن است از نیروهای امریکائی برتر باشد. برای بازیابی بازدارندگی، امریکا باید توانمندی‌های نظامی خود را به‌طور قابل‌توجهی افزایش دهد و توان واکنش به تهدیدات مختلف را تقویت کند.

### **قدرت اقتصادی به‌عنوان ستون اصلی قدرت**

نویسنده معتقد است که علاوه بر برتری نظامی، استقلال اقتصادی نیز بخش مهمی از ستراتیژی «برتری مطلق» است. امریکا باید از وابستگی خود به واردات حیاتی، به‌ویژه از کشورهای مانند چین، رهائی یابد. برای مثال، صنعت دفاعی امریکا بشدت به مواد معدنی کمیاب وابسته است که عمدتاً از چین وارد می‌شود. این وابستگی می‌تواند در صورت بروز درگیری، تأمین منابع نظامی امریکا را با مشکل مواجه کند. برای مقابله با این مشکل، امریکا باید پایه‌های صنعتی خود را تقویت کند و مشوق‌هایی برای تولید داخلی ایجاد کند. سرمایه‌گذاری در تولید داخلی، به‌ویژه در بخش‌های حیاتی مانند فناوری باتری‌ها، ضروری است. همچنین، لازم است که موانع گمرکی برای حمایت از شرکت‌های امریکائی در برابر (به‌زعم آن‌ها) دامپینگ چین اعمال شود. این کار نه تنها رقابت‌پذیری امریکا در تجارت جهانی را تقویت می‌کند، بلکه استقلال ستراتیژیک این کشور را نیز افزایش می‌دهد.

### سیاست انرژی به عنوان اهرم ژئوپلیتیکی

یکی دیگر از ارکان اصلی این ستراتیژی جدید، سیاست انرژی است. ترمپ ممکن است در دوره دوم ریاست جمهوری خود بر احیای سیاست «سلطه انرژی» تمرکز کند؛ سیاستی که منابع سوخت‌های فسیلی مانند نفت و گاز را در مرکز توجه قرار می‌دهد. در حالی که دولت بایدن تلاش کرده است تا تمرکز را به انرژی‌های تجدیدپذیر معطوف کند، دولت ترمپ می‌تواند به منابع انرژی فسیلی روی آورد تا وابستگی آمریکا به منابع انرژی خارجی را کاهش داده و همزمان جایگاه ژئوپلیتیک خود را تقویت کند.

در این راستا، استقلال انرژی نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. آمریکا از سال ۲۰۱۸ بزرگترین تولیدکننده نفت در جهان است و این امر نه تنها برای این کشور مزایای اقتصادی به همراه داشته، بلکه انعطاف‌پذیری ژئوپلیتیک را نیز به آن‌ها می‌دهد. استفاده از منابع انرژی داخلی به آمریکا این امکان را می‌دهد که دایره عمل خود را گسترش دهد و با تأمین انرژی برای اروپا، اتحادیه‌های خود را مستحکم‌تر کند.

### تقویت اتحادها و نقش رهبری جهانی

یکی از ارکان سیاست خارجی آمریکا تحت رهبری ترمپ، تقویت اتحادها بود. این روند احتمالاً در دور دوم ریاست جمهوری نیز ادامه خواهد یافت، اما با تمرکز بیشتر بر افزایش توانمندی‌های نظامی متحدان و کاهش وابستگی آن‌ها به رقبائی چون چین و روسیه. اروپا، که اغلب از همراهی کامل با آمریکا سرباز می‌زند، ممکن است در صورت بازگشت ترمپ، تحت فشار برای همکاری بیشتر قرار گیرد.

عناصر دیگری از سیاست خارجی آمریکا، تقویت روابط تجاری دوجانبه به جای توافقات چندجانبه است. این رویکرد می‌تواند به آمریکا امکان دهد تا به‌طور خاص با کشورهایی که منابع غنی دارند، روابط برقرار کند و وابستگی این کشورها به چین را کاهش دهد. چنین توافقاتی می‌توانند موقعیت ژئوپلیتیک آمریکا را تقویت کنند و در عین حال، پایه اقتصادی آن را گسترش دهند.

### برتری نظامی از طریق فناوری و نوآوری

در آینده، برتری نظامی آمریکا دیگر تنها به میزان تجهیزات یا تعداد سربازان وابسته نخواهد بود، بلکه به‌طور فزاینده‌ای به نوآوری‌های فناوری متکی خواهد بود. استفاده از پهپادها در جنگ اوکراین نشان داده که چگونه فناوری‌های پیشرفته می‌توانند ساختارهای نظامی سنتی را تضعیف کنند. در یک درگیری احتمالی با چین، استفاده از راکت‌های دوربرد و سیستم‌های تسلیحاتی نوآورانه می‌تواند برتری جغرافیایی و کمی نیروهای چینی را خنثی کند. برای پیروزی در یک درگیری احتمالی، آمریکا باید اطمینان حاصل کند که از لحاظ فناوری یک قدم جلوتر از رقبای خود است. این امر نه تنها نیازمند سرمایه‌گذاری در فناوری‌های جدید است، بلکه همچنین مستلزم تغییرات اساسی در فرآیندهای برنامه‌ریزی و آموزش نظامی است تا آمادگی لازم برای جنگ‌های آینده فراهم شود.

### واقع‌گرایی در سیاست اقلیمی

یکی دیگر از ویژگی‌های احتمالی دولت جدید ترمپ می‌تواند رویکرد عمل‌گرایانه‌تر در سیاست اقلیمی باشد. در حالی که دولت بایدن بر کاهش سریع انتشار کربن تأکید دارد، ترمپ ممکن است رویکردی میان‌روانه اتخاذ کند که به اثرات اقتصادی تغییرات اقلیمی بر کشورهای کمتر توسعه‌یافته توجه داشته باشد. این رویکرد می‌تواند به ایجاد اتحادیه‌های جدید

با این کشورها کمک کند، کشورهایی که در تلاش هستند اقتصادهای خود را بدون کنارکشیدن کامل از سوخت‌های فسیلی، متنوع‌سازی کنند.

### نتیجه‌گیری

بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید می‌تواند برآستی به بازتعریفی اساسی در سیاست خارجی امریکا منجر شود. او در دوره اول ریاست‌جمهوری‌اش، با تمرکز بر رقابت قدرت‌های بزرگ، که حتی شامل رقابت با اتحادیه اروپا نیز می‌شد، مسیر سیاست خارجی امریکا را تغییر داد و این تغییر برای نخبگان اروپائی ناخوشایند بود. اگر ترامپ دوباره رئیس‌جمهور شود، انتظار می‌رود که او برای بازپس‌گیری برتری جهانی امریکا بر ترکیبی از برتری نظامی، استقلال اقتصادی و سیاست‌های مبتنی بر منابع انرژی تأکید کند. هدف او از این اقدامات، تقویت جایگاه برتر امریکا حتی به قیمت تحت فشار قرار دادن متحدان خود در اروپا و سایر کشورهای غربی خواهد بود. با این حال، به نظر می‌رسد که دولت او تنها تا حد محدودی قادر خواهد بود به اهداف بزرگی که خانم شادلو در تحلیل خود بیان کرده، دست یابد.

### فکرها در فضاء به هم نزدیک می‌شوند، اما در عمل با سختی‌های واقعیت برخورد می‌کنند.

برای به‌روز کردن صنعت نظامی امریکا به سطحی که بتواند در برابر روسیه و چین برتری داشته باشد، تنها صرف هزینه‌های هنگفت برای بازسازی و گسترش این صنعت – از زنجیره‌های تأمین تا تولید نهائی – کافی نیست، بلکه باید زمان و سرمایه‌های عظیمی نیز در آموزش و پرورش سرمایه‌گذاری شود تا نسل‌های جدید مهندسان، ریاضی‌دانان و تکنسین‌ها طی شاید ده سال آینده آماده شوند. چرا که سیستم جذب نخبگان علمی و تکنولوژیک از خارج به امریکا، که زمانی مؤثر بود، دیگر مانند گذشته عمل نمی‌کند. و در زمینه سطح دانش فنی در میان مردم امریکا، اگر به تنهایی عمل کنند، در مقایسه با چین و روسیه نسل‌ها عقب‌تر هستند.

این مشکلات و بسیاری دیگر از جمله دشواری‌های مربوط به سیاست‌های تجاری، مالی امریکا و بدهی‌های سنگین، موقعیت لرزان دالر به عنوان ارز ذخیره جهانی، واکنش‌های متحدان امریکا به تضعیف سازمان تجارت جهانی که خانم شادلو پیشنهاد می‌کند و بسیاری مسائل دیگر، موجب خواهند شد که رویای او برای بازپس‌گیری سلطه جهانی امریکا تنها یک خیال باقی بماند.